

ماہ آسمان ادب

یادی از قمر آریان، نویسنده و پژوهشگر فقید خراسانی هم‌زمان با سالروز درگذشتش

درز ورق و اژه ها

یک نفر میان تمام هم کلاسی های قمر بود که یک سر و گردن بالاتر از قمری دانشجویان به نظر می رسید. چو آنکی سه چرده اما نه نجیب و باوقار و البته باسوادتر از تمام هم دوره های او. صدايش می زدند که به دسیره زرین کوب. قمر هر بار که به واسطه پرسش های نامشعادنی خود با او هم کلام می شد، احساس می کرد در مصاحبت با یک استاد و کمال نشسته. هر بار که بهترین دوره ادبیات بودند. سرشان دردی می کرد و مطالعه و تحقیق و مطالعه. برای پژوهش و تحقیق و مطالعه. در تعامل با کتاب و جزوه و پرسش و سبزی می شد و قمر، شیفته دانسته دسیره دار عهد الحسین بود. او حالا در شبیه به همان روزهای شش سال

می‌کرد در مصاحبت با یک استاد تمام و کمال نشسته. هر دو از بهترین‌های دوره ادبیات بودند. سرشان دردمی کرد. برای پژوهش و تحقیق و مطالعه. ماه‌ها در تعامل با کتاب و جزوه و پرسش و پاسخ سیری می‌شد و قهر. شیفته دانسته‌های دنباله‌دار عبدالحسین بود. او حالا درست شبیه به همان روزهای شش سالگی که مشتاق حضور در یک مدرسه دخترانه بود، داشت با نگاه مشتاق دیدن حسین را دنبال می‌کرد. چشم‌ها همان چشم‌ها بود. مصوم و عطش‌ناک و نجیب: زمانی



هزار مسئله بود که من می‌خواستم
دانم و تنها او می‌دانست. «بااخره
از جایی که بعد بند دل عبدالحسن
هم عین رشته مروراید پیاره
شد. راز دلش را بپسچید در زورق
واژه‌ها. او سوار بر کلمات بود و این
تمام دارایی جوانی بود که چیزی
بیشتر از یک قلب عاشق و دنیایی از
کتاب‌ها ادبی در چنته نداشت.

قمر حالا دیگر فقط آن دانشجوی پرشکوه
کنجکاو نبود. با گونه های گل افشاده و
دست های لرزان، بر سبزه تریاترین سرش از
یک عاشقانه الهام شده بود و داشت در
سرش پی کلماتی می گشت تا از سردرگمی
رها شود. شاگرد اول دانشکده، مردی
که در تمام این سال ها حق استادی
به گردش داشت، حالا داشت او را برای
عمری زندگی مشترک انتخاب می کرد.
باید هرچه زودتر به پیشده برمی گشت. در
تمام طول مسیر به پدر فکر کرد. مردی
که سخاوتمندانه او را در تحصیل، ادبیات،
سفر و خود شکوفایی همراهی
کرد بود و حالا می خواست
در مهم ترین تصمیم زندگی
نیز راهنمایش باشد.

آغاز زندگی
مشترک

«من مقاله‌هایش
را خوانده‌ام. باید
بجاه سالی داشته
باشد!» این را پدید
قمرگفت زمانی
که نام عبدالحسین
زرین‌کوب را از دهان
دخترش شنید. قمرگوش
تاگوش سرخ شد و لبخند
نازکی زد. عبدالحسین فقط سی
سال داشت. آن نویسنده ادیب
پشت کلمات، سال‌ها از تقویم
و شناسنامه‌اش
جلوتر بود.
همین
پختگی
در کلمات
و دانش

بسیارش بود که قمر را شیفته خود کرده بود. پدیر مخالفی نداشت. مردی که این چنین در شخص خود درخشان بود، بی شک می توانست همسر ابدیالی برای دخترش باشد. هر دو شیفته ادبیات بودند و سال ها معاشرت در فضای علمی، بسیاری از زندگیها را برطرف کرده بود. سال ۱۳۲۲ قمری که نام‌ها را در عهد الحسین کنار یکدیگر نشاندند و پس از آن هر دو فارغ از نقش همسری تحصیلات خود را در مقطع دکتری دنبال کردند.

لذتی به نام نوشتن

ماه عسل این زوج عاشق پیشه فرهیخته، سفرهای علمی به کشورهای مختلف آغاز شد. سفرهایی که هیچ‌کدام محض سیاحت نبود. از هند با پاکستان گرفته تا کشوری عربی و اروپایایی. قمر در کنار عبدالحسین زرین‌کوب، پیش از هر زمان به خود واقعی‌اش شبیه بود. و فردارغ از حواشی روزمره، سر مقالات و پژوهش‌های خودشان دانشمند. قمر ابراهیم پس از آن پایان‌نامه درخشان در مقطع دکتری که «چهره مسیح در ادب فارسی» پرداخته بود، حالا علاوه بر تدبیر در دانشکده ادبیات به عنوان تالیف‌ان آثار تازه‌ای بود. کتاب‌هایی پس از دیگری منتشر می‌شد: «کمال الدین بهزاد»، «از نی نامه» و تعدادی دیگر، رفته‌رفته انگار هیچ‌کدام خوششان به توفیق تقویم و گذر نایبه‌ها نباشد. از یک جای جایی به بعد به خودشان آمدند دیدند اگر چیزی به سرور و نیل نبسته و بیماری‌ها دارد یکی یکی از راه می‌رسد. آن‌ها دیگر آن دو جوان خوشگن ناپذیر روزگار دانشجویی و تدریس هستند. اما مهم‌ترین بارشان هیچ‌لذتی در دنیا با مطالعه و تألیف برابری نمی‌کند. با این همه دست تقدیر یک جایی به خوشبختی ۵۵ ساله این زوج چنگ انداخت و عبدی را از قمر گرفت. سال ۱۳۷۸ بود که قمر ماند و یک نفر خاطره و دل تنگی در میان کتاب‌های که هر کدام از کتاب‌هاش در دایران روزها و شب‌های بسیاری بود. کارش شده بود سرک کشیدن میان دست نوشته‌های عبدی و بلخندهای محوی که هر کدام او را به خاطره‌ای دور پرتاب می‌کرد. یک بار رساله‌ای را دید که در حاشیه آن به دستخط زرین‌کوب آمده بود، «قمر این خیلی خوب است تماشا کن»، رساله‌ای که قمر را از سوگ بیرون کشید و به تألیف کتاب «زن در داستان‌های قرآن» مشغول کرد. بعد بیشتر مفاد پی ترجمه هم فرانسوی می‌دانست هم انگلیسی. او خود را غرق در نوشتن کرده بود تا آنده و فقدان عبدی را تاب بیاورد. تا بالاخره یک جایی در ۲۳ فروردین ۱۳۹۱ پس از سیزده سال تحمل دوری، به یار دیرین خود پیوست و در ۹۰ سالگی چشم از جهان فروبست.

روزنامه
فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی
صاحب امتیاز
شهردار مشهد
مدیرمسئول
سید مهین موسوی مهر
سردبیر
سید سجاد طویح هاشمی

SHAHRRARANNEWS.IR

شنبه

سال شانزدهم
۲۳ فروردین ۱۴۰۴
شماره ۱۴۴۳
شماره ۴۴۴۳

نشانی: خیابان کوکبلی
ابتدای کوشکی ۱۵
دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۰۵
نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
رابطه عمومی
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۰
شماره پیامک
۳۰۰۰۷۲۸۹

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با
اسکن این کد دنبال کنید

میتوانه حرفای

کُچِ نِهَنانِ سِوایِ بَکداری

مدیریت: سید علی حسینی

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

پست الکترونیک: kuche_neyhan@yahoo.com

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۵، طبقه اول

روز: **دوشنبه**

تاریخ: **۱۳۹۴/۰۲/۰۲**

شماره: **۱۳۹۴/۰۲/۰۲**

دمای هوای مشهد

۲۶ ↑	۱۶ ↓	۴۹ % رطوبت هوا	
۲۵ ظهر	۱۷ صبح	۲۴ عصر	
۲۲ شب			

قیمت دلار: **۲۲,۴۸۰,۰۰۰**

قیمت یورو: **۳۱,۳۵۰,۰۰۰**

قیمت طلا: **۱۸,۰۰۰,۰۰۰**

قیمت نفت: **۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰**

اوقات شرعی مشهد

- **اذان ظهر** ۱۱:۳۲:۱۶
- **غروب آفتاب** ۱۸:۰۲:۵۰
- **اذان مغرب** ۱۸:۰۲:۳۱
- **نیمه شب شرعی** ۲۲:۴۸:۰۱
- **اذان صبح فردا** ۰۳:۳۱:۳۵
- **طلوع آفتاب فردا** ۰۵:۰۰:۲۰

امام حسین (ع)؛
از نشانه‌های خوش‌نامی و نیک‌بختی،
همنشینی با خردمندان است.

برگرفته از کتاب «گریده تحف العقول»، العدد القویة، صفحه ۲۹۲

حدیث
رضوی

حکایت

از نادان مغرور اجتناب کن، ناشنیده و نادیده مگوی، بر عیب خود بینا باش
و عیب کسان مگو.

اندر ره حق تصرف آغاز مکن چشم بد خود به عیب کس باز مکن
سر دل هر بنده خدا می داند خود را تو در این میانه انباز مکن.

خواجہ عبدا... انصاری / مواعظ

ما همه مون پزشکیم!

خوددرمانی در گروه های تلگرامی معتبر نیست. چرا؟ چون مثلاً شوهر خاله بعد از فرستادن استیکر صبح همگی به خیر، می گوید برای کمردرد فلان چیز خوب است و بعداً خود خاله و چند صاحب نظر دیگر هم آن را تأیید می کنند و شرح مفصلی بر نحوه درمان و افرادی که آن روش درمان را در پیش گرفته اند در گروه نوشته خواهد شد که در پایان نامه و پروپوزال هیچ پزشک و متخصصی این حداز موشکافی دیده نمی شود. شما هم همان روش را برای بهبود دردتان استفاده کنید و در صورت زنده ماندن تجربیات خود را در همان گروه منتقل کنید تا بقیه نیز استفاده کنند.

پیامک واریز درمانی: طبق گزارش مجله علمی نیچر در دانشگاه ایالتی فلوریدا ۱۲ هزار و ۲۰۰ نفر از اشخاصی را که احساس بی حالی، بی حوصلگی و خستگی مفرط داشتند برای انجام تحقیقات به دو گروه تقسیم کردند و سپس برای یک گروه پول واریز کردند. نتایج نشان داد کسانی که پیامک واریز بانک برایشان آمد بلافاصله حالشان خوب شده بود. البته راستش را بخواهید این تحقیق در دانشگاه ایالتی فلوریدا هنوز انجام نشده است، اما چون مطمئنم اگر چنین تحقیقی انجام شود دقیقاً همین نتیجه حاصل می شود آن را به عنوان یک حقیقت علمی تست شده و تأیید شده در اینجا بیان کردم. شما هم بپذیرید که پیامک واریز بر خیلی دردهای بی درمان دواست. البته روش های دیگری هم برای خوددرمانی وجود دارد که چون نمی خواهم مانع کسب پزشکان شوم به افشای آن ها نمی پردازیم. همیشه سلامت باشید!

در خبرها داشتیم که ۲۳ درصد مردم خوددرمانی می کنند. البته خوددرمانی خودش شاخه های مختلفی دارد که به آن ها می پردازیم:

خودش خوب میشه درمانی: گروهی از جامعه که نه پول دکتر دارند و نه پول خرید دارو از این روش درمان استفاده می کنند. البته اینکه این روش درمان رضایت بخش بوده یا خیر مشخص نیست چون به طور معمول مرده ها توانایی حرف زدن و صحبت کردن را ندارند.

هر قرص درمانی: از این روش برای کسانی که همه جایشان درد می کند استفاده می شود. آن ها هر قرصی حتی اگر ببینند روی زمین افتاده است بلافاصله خم می شوند و برمی دارند و می خورند چون در هر صورت با این همه دردهای مختلفی که دارند آن قرص برای یک جایشان خوب است.

نسخه همسایه درمانی هوشمندسازی شده: همسایه شما به خاطر اینکه زانوئی پای راستش درد داشته به دکتر رفته است و دوسه تا قرصی را که به صورت هشت ساعت به رایش تجویز شده است استفاده می کند. شما نیز زانوئی راست و زانوئی چپتان درد می کند، اینجا باید دقیقاً همان قرص را استفاده کنید، اما چون نه یک زانو، بلکه هر دو زانویشان درد دارد مصرف آن برای شما چهارساعته باید باشد.

پاول پروف درمانی: همین اول بگوییم که هیچ خوددرمانی مثل

پاول پروف
پاول پروف

برای مشاهده
گزارش تصویری
کد را اسکن کنید

لاله‌زار در مشهد

جشنواره گل‌های لاله مشهد حالا سیزده ساله شده است؛ درست این ایام از سال که می‌رسد پارک ملت مشهد و «ایوستان دیگر شهر» به یمن هزاران گل لاله رنگ و بویی بهاری و متفاوت به خود می‌گیرد و سوزۀ عکاسی شهروندان می‌شود. این جشنواره تا یک ماه آینده میزبان علاقه‌مندان است.

عکس روز

عکس: محسن بخشنده / شهرآرا

جشنواره ماهی



اپلیکیشن شهر من نصب کن
امتیاز جمع کن، جایزه بگیر

تا پایان فروردین ماه ۱۴۰۴

- ۱۰ کمک هزینه خرید دوچرخه
- ۵۰ کمک هزینه خرید لوازم ورزشی
- ۱۵۰ کمک هزینه بوم گردی
- و هزاران جایزه متنوع دیگر

